

The Geopolitical Position of Syrian Kurdistan and the Role of Regional and Extra-Regional Actors

Shirin Cheraghyan¹
Homayoun Abbasabadi²

Abstract

The emergence of the crisis in Syria created a suitable opportunity for this country to find a new position by using the power vacuum inside and support from outside, and they can be more powerful, cohesive, and organized to play a role in the developments in Syria. The deterioration of the control of the central government due to the involvement in the bloody conflicts of the opponents of the government and entering the region to these conflicts provides suitable conditions for the Syrian Kurds to redefine their position in the Syrian political system. The region influences the situation of the Kurds in Syria and other countries, where the role of the region has influenced their behavior. Different programs with different concepts and motivations have played a role. Now the question is whether this research is about the importance of the Kurdistan region from the geopolitical point of view for regional and extra-regional actors? And in response to this hypothesis, it has been proposed that "the formation of an autonomous or independent region is from a geopolitical point of view in Spykman's sphere, Spykman's peripheral geopolitics, Geoffrey Camp's energy geopolitics and Heartland". These geopolitical theories should be used to determine the positions of Syria. The results of the research show that it can be effective in terms of its geopolitical conditions and the presence of other influential factors.

Keywords: Kurdistan, Syria - geopolitics - regional and extra-regional actors - Spykman's periphery geopolitics - Geoffrey Kemp's energy geopolitics - Fukuyama's ideology heartland.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. PhD student of Iranian issues, Islamic Azad University, Kermanshah branch, Kermanshah, Iran. (Corresponding Author) sh.cheraghyan@gmail.com

2. Assistant Professor of Political Science, Islamic Azad University, Kermanshah branch, Kermanshah, Iran.



جایگاه ژئوپلیتیک کردستان سوریه و نقش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

شیرین چراغیان^۱

هما یون عباس آبادی^۲

چکیده

پیدایش بحران در سوریه فرصت مناسبی برای کردهای این کشور پدید آورد تا با استفاده از خلأ قدرت در داخل و دریافت حمایت از خارج موقعیت جدیدی بیابند و از نیرو و انسجام و سازمان‌دهی بیشتری برای نقش‌آفرینی در تحولات سوریه برخوردار باشند. زوال کنترل دولت مرکزی به دلیل درگیری در جنگ‌های خونین مخالفان دولت و ورود کشورهای منطقه به این منازعات، شرایط مناسبی فراهم آورد تا کردهای سوریه به بازتعریف جایگاه خود در نظم سیاسی آینده سوریه بپردازند. روابط منطقه‌ای بر وضعیت کردهای سوریه و کردهای سایر کشورها تأثیر دارد؛ همان‌طور که منافع کشورهای منطقه بر رفتار مقامات سوریه نسبت به کردهای خود تأثیر گذاشته است. بحران سوریه یکی از حوادث تأثیرگذار در نظام بین‌الملل طی سال‌های اخیر بوده است. در این بحران، بازیگران مختلفی با اهداف و انگیزه‌های متفاوت به ایفای نقش پرداخته‌اند. حال پرسش نوشتار پیش رو این است که منطقه کردستان سوریه از منظر ژئوپلیتیک، برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چه اهمیتی دارد؟ در پاسخ این فرضیه طرح شده است که شکل‌گیری منطقه خودمختار یا مستقل کردی از منظر ژئوپلیتیک در حوزه‌های ژئوپلیتیک پیرامونی اسپایکمن، ژئوپلیتیک انرژی جفری کمپ و هارتلند ایدئولوژی فوکویاما مهم است. در این راستا سعی شده از این نظریه‌های ژئوپلیتیک برای تعیین جایگاه کردهای سوریه استفاده شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که کردها از منظر شرایط ژئوپلیتیک خود و در صورت همراهی سایر متغیرهای تأثیرگذار می‌توانند بازیگران مؤثر و صاحب‌اقتدار در آینده سوریه باشند و بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را متأثر از این شرایط، تحت تأثیر کنش‌های خود قرار دهند.

کلیدواژه‌ها: کردستان سوریه، ژئوپلیتیک، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، ژئوپلیتیک پیرامونی اسپایکمن، ژئوپلیتیک انرژی جفری کمپ، هارتلند ایدئولوژی فوکویاما.

۱. دانشجوی دکترای مسائل ایران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

Sh.cheraghy an@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران..



مقدمه

پس از تحولات بهار عربی در خاورمیانه و پیامدهای این تحولات در این منطقه که مهم‌ترین آن‌ها ظهور داعش و درگیری‌های جدید برای بازتوزیع جایگاه و نقش نیروهای اجتماعی و جایگاه اقلیت‌های قومی بود، کردهای خاورمیانه به صورت عام و کردهای سوریه به طور خاص تحت تأثیر این شرایط نوین از قدرت کنش‌گری و افری برخوردار شدند که شرایط آن‌ها را نسبت به گذشته به طور کلی تغییر داد. در این میان کردهای سوریه با تسلط بر سرزمین‌های شرقی، شمالی و شمال غربی سوریه و تجمیع منابع و انسجام نسبی نیروهای خود و همکاری نزدیک با قدرت‌های بین‌المللی در تقابل با داعش، از ارزش استراتژیک و افری برخوردار شدند که قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نسبت به عملکردها و جایگاه نوینشان حساس ساخت. براساس ژئوپلیتیک مداخله، تسلط بر منطقه جغرافیایی مهمی در سوریه در کنار نهادینه‌سازی ارزش‌های هم‌راستا با جهان توسعه‌یافته در این کانون جغرافیایی می‌تواند شرایط مساعدی را برای افزایش بازیگری و قدرت چالش با محیط پیرامونی برای کردهای سوریه فراهم آورد.

این موضوع پرسش ذیل را برای نویسندگان ایجاد کرده است که کردهای سوریه در وضعیت فعلی به لحاظ ژئوپلیتیک چه اهمیتی دارند و برداشت بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به این وضعیت با توجه به منافعی که چگونه است؟ با توجه به اینکه کردستان سوریه دارای پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های ژئواستراتژی و ژئوایدئولوژی و ژئوانرژی است، می‌توان اهمیت ژئوپلیتیک منطقه را چارچوب این سه محور بررسی کرد. هر یک از این واقعیت‌های ژئوپلیتیک کردستان سوریه در تضاد یا هم‌راستا با منافع بعضی از قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد. کردستان سوریه می‌تواند منطقه‌ای استراتژیک و متحدکننده برای کردهای شمال عراق و جنوب و جنوب شرق ترکیه با دریای مدیترانه باشد و از این منظر می‌تواند به شدت برای دولت‌های مرکزی عراق، ترکیه، سوریه و ایران که با مسئله کردها درگیر هستند، یک خطر به‌شمار رود؛ و از سوی دیگر برای دوستان کردها امری مطلوب شمرده می‌شود.

از بُعد ژئوپلیتیک انرژی، می‌توان گفت که کردستان سوریه نه تنها مهم‌ترین منابع نفتی و کشاورزی سوریه را در اختیار دارد؛ بلکه یکی از بهترین مسیرهای انتقال انرژی منطقه ژئواستراتژیک بیضی انرژی برای غرب محسوب می‌گردد. در عین حال باید از پتانسیلی دیگر در مناطق کردنشین به صورت عام و کردستان سوریه به طور خاص یاد کرد و آن اهمیت آن‌ها از منظر ژئوپلیتیک آب و دسترسشان به عمده آب‌های خاورمیانه است. این وضعیت برای کشورهای همسایه خطرناک بوده و در عین حال برای قدرت‌هایی همچون آمریکا، اروپا و اسرائیل مطلوبیت دارد. در باب هارتلند ایدئولوژیک که مبدع آن را

فوکویاما و نظریه تاریخ او می‌دانند نیز، کردها دارای اهمیت ژئوپلیتیک هستند. کردهای سوریه با ایجاد نظام هم‌راستا با ارزش‌های مورد حمایت غرب، رویکردی متفاوت از دولت مرکزی سوریه اتخاذ کرده و به همین خاطر می‌توانند به صورت بالقوه برای کشورهای همچون روسیه و ایران که رویکرد ضد غربی دارند، ایجاد حساسیت و عدم همراهی با آرمان‌های کردهای سوریه را باعث شود. باید در نظر داشت که دنیای غرب برای حفظ جایگاه و نفوذ تاریخی خود، حمایت از کردها را با توجه به اصل هزینه - فایده در دستور کار خود قرار داده است؛ که بطن هارتلند ایدئولوژیک قرار گرفته و تنها نمونه‌های نزدیک به غرب به‌شمار می‌روند یا حداقل با غرب چالشی ندارند.

نوشتار پیش رو با مروری بر نظریه‌های ژئوپلیتیک به‌عنوان چارچوب نظری می‌کوشد با تمسک به هریک از نظریه‌های پیش گفته، ابتدا اهمیت کردهای سوریه را از منظر آن نظریه‌ها با عنایت به مصادیق نشان دهد و در ادامه چالش یا مطلوبیت این جایگاه ژئوپلیتیک را برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نشان دهد. در پایان نیز نتیجه‌گیری کار بیان می‌شود.

ژئوپلیتیک

از جمله اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی است که کاربرد فراوان و معانی و تعاریف متنوعی دارد. ژئوپلیتیک که معنای لغوی آن سیاست زمین است، نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود. ژئوپلیتیک از شاخه علم جغرافیای سیاسی است در یک تعریف جامع عبارت است از مطالعه روابط متقابل، جغرافیایی، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر.

ژئوپلیتیک اسپایکمن ژئوپلیتیک اسپایکمن مسئله اصلی در نظریه ریملیز سرزمین حاشیه‌ای اسپایکمن، نظریه تأثیرپذیری از ایده اصلی و اولیه مکینر (ژئوپلیتیک انگلیسی) در خصوص هشدار نسبت به برتری یافتن قدرت خشکی بر قدرت دریایی در قرن بیستم است. درون‌مایه نظریه ریملیز اسپایکمن، حاشیه بیرونی یا منطقه پیرامون اوراسیا است. تسلط بر ریملیز امکان ترکیب قدرت بری و بحری را با هدف برطرف کردن صنعت قدرت بری و بحری به‌طور جداگانه فراهم می‌کند.

ژئوپلیتیک انرژی‌ای جفری کمپ

ژئوپلیتیک انرژی در زندگی بشر اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد. ادامه زندگی بدون انرژی بسیار مشکل

است. صنعت کشاورزی، خدمات، گرمایش، سرزمین، تولید غذا، محیط خانوادگی مثل حمل و نقل، نظامی گری، فعالیت‌های پزشکی، درمانی، پژوهش‌های علمی به انرژی وابسته هستند. از این رو منابع تأمین انرژی، مسیرهای انتقال انرژی بازارهای مصرف، تجارت انرژی، فناوری انرژی و نظایر آن اعتبار ویژه‌ای پیدا کند.

مسئله دسترسی تأمین انرژی برای نیازمندان آن و نیز امنیت مسیرهای انتقال برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان بسیار مهم هستند. مسئله دسترسی به منابع انرژی اعم از فسیلی، خورشیدی و... نیز انتقال انرژی از مکان‌های برخوردار به مکان‌ها و فضاهای بدون انرژی یا نیازمند و نیز کنترل منابع تولید و مسیرهای انتقال انرژی و نیز فناوری و ابزارهای تولید، فناوری و انتقال و حتی مصرف انرژی برای سیادت جهانی و منطقه‌ای و به‌چالش کشیدن رقیبان در عرصه بین‌المللی جملگی دارای ابعاد مکانی، فضایی و جغرافیایی است و به همین اعتبار انرژی را به موضع ژئوپلیتیکی مهمی تبدیل نموده است؛ زیرا انرژی و تمام ابعاد و جنبه‌های آن سه پارامتری جغرافیایی، قدرت و سیاست است.

کردهای سوریه

کردستان سوریه بخش کردنشین در شمال خاوری و شمال سوریه است. جمعیت کردها در سوریه حدود سه میلیون نفر تخمین زده شده است. مناطق سکونت کردها در سوریه چند منطقه اصلی این کشور تقسیم‌بندی می‌شوند که عبارت‌اند از خرده‌داغ، کوبانی، حسکه، دمشق. کرد داغ یکی از متراکم‌ترین مناطق جمعیتی سوریه است و بیشتر جمعیت آن کرد هستند. کردهای زیادی از ترکیه در دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۲۰ به سوریه گریختند و به‌طور عمده در حسکه ساکن شدند. دمشق نیز یکی دیگر از مناطقی است که حضور کردها در آن به زمان صلاح‌الدین ایوبی برمی‌گردد که به این منطقه رفته و مشغول کشاورزی شده‌اند و هنوز هم در این شهر به‌طور پراکنده حضور دارند و در سال ۲۰۱۳ اعلام شد.

چارچوب نظری: نظریه‌های ژئوپلیتیک

ژئوپلیتیک از دو بخش به معنای زمین و پولتیک (سیاست) تشکیل یافته است ژئوپلیتیک به‌عنوان علم مطالعه نفوذ و تأثیر جغرافیا بر اقدام سیاسی نیز تعریف می‌شود. در طول نیمه اول قرن بیستم، ژئوپلیتیک به‌طور عمده به نقش عوامل جغرافیایی در تعیین سیاست خارجی کشورها اشاره داشت؛ بنابراین ژئوپلیتیک در اوایل دوره شکل‌گیری مفهوم خود یعنی سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۴۵ به‌مثابه ابزاری برای کسب قدرت، موضوع رقابت قدرت‌های استعماری قرار گرفت (صفوی و شیخانی، ۱۳۸۹: ۳۰)؛ اما با

گذشت زمان مفهوم جغرافیا محور ژئوپلیتیک ابعاد جدیدی یافت. با نظریه پردازی آلفرد تایرماهان در نیمه دوم قرن بیستم، ژئوپلیتیک جلوه‌ای آشکار یافت. وی با اهمیت بخشی به نظریه قدرت دریایی معتقد بود سرزمین‌های دارای موقعیت دریایی مناسب کشورهای قدرتمند هستند (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۳۵-۳۶). ژئوپلیتیک را می‌توان به عنوان نظریه حل المسائل در راستای مفهوم سازی و کنش سیاست مداری توصیف نمود. ژئوپلیتیک خود را شکلی از دانش و عقلانیت می‌داند و ضمن مطالعه ساختار موجود قدرت به عنوان راهنمایی برای تصمیم گیران سیاست خارجی عمل می‌کند. شیوه بیان ژئوپلیتیک، اثباتی و دستوری است. به این صورت ژئوپلیتیک از جمله اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی است که کاربرد فراوان دارد؛ اما معانی و تعاریف متنوعی را دربر می‌گیرد. در ژئوپلیتیک که معنای لغوی آن سیاست زمین است، نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست ملل بررسی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۲۸)؛ به عبارتی باید گفت که ژئوپلیتیک از شاخه‌های علم جغرافیای سیاسی است. در تعریف جامعی از ژئوپلیتیک گفته می‌شود ژئوپلیتیک عبارت است از علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۳۷).

بر اساس این تعریف، ژئوپلیتیک اموری همچون ساختار و کارکرد قدرت، نزاع، هم‌گرایی، واگرایی، حوزه نفوذ رقابت، تصمیم‌گیری، بحران کنترل، سلطه و نفوذ، صلح و همکاری، منابع و محیط زیست فضا منافع ملی، امنیت و ثبات ملی، وحدت ملی، روابط فضایی، توسعه و رفاه، محلی‌گرایی و جهان‌گرایی و نظایر آن که به طور عمده مفاهیم کمی و پایدار هستند را دربر می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین مباحث در عرصه مطالعات ژئوپلیتیکی، مباحث مرتبط با ژئوپلیتیک در عصر پس از فروپاشی شوروی است که واقعیت‌های جهان را تشریح کرده و چگونگی عمل و اقدام را پیشنهاد می‌دهد. ژئوپلیتیک موضوعی پژوهشی است که با حوزه‌های گسترده سیاست و جغرافیا سروکار دارد. در ادامه سعی خواهد شد سه نظریه مهم از نظریه‌های ژئوپلیتیک را که برای تبیین موضوع خویش نیازمندیم، توضیح دهیم.

الف: نظریه ریملند اسپایکمن

اسپایکمن در کتاب *جغرافیای صلح* که پس از مرگش در سال ۱۹۴۴ چاپ شد، عقاید خود را که بیشتر در نقد اندیشه‌های مکیندر و پاورس و هوفر بود، بیان کرده است. او چارچوب فضایی نظریه مکیندر را می‌پذیرد و به جای هارتلند، هلال داخلی را که وی آن را در اصطلاح سرزمین حاشیه‌ای یا ریملند می‌نامد، مهم می‌داند. از نظر اسپایکمن این منطقه در قالب یک فضای جغرافیایی دوجبهی که ترکیب

آب و خشکی است، قرار می‌گیرد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۹: ۱۴). در عین حال در نظریهٔ ریمیلند، سادگی حرکت در دریا و تجارت دریایی امکان برقراری یک سلطهٔ مافوق را که نمونه‌ای از ساخت ژئوپلیتیک جدید است، امکان‌پذیر می‌سازد و این باعث می‌شود اسپایکمن در نهایت قدرت دریایی را کلید استراتژی جهانی در نظر بگیرد (عزت‌اله، ۱۳۸۰: ۱۸) اسپایکمن در نظریهٔ خود خاورمیانه عربی را در قلمرو ریمیلند جا می‌دهد، قلمرویی که بین منطقهٔ محور یا قلب زمین یا آب‌های پیرامونی قرار گرفته و بیشتر رقابت‌ها و دشمنی‌های قدرت دریایی و زمینی در آن به وقوع می‌پیوندد. به نظر می‌رسد نظریهٔ ریمیلند، سیاست‌های جهانی دورهٔ جنگ سرد و پس از آن می‌تواند تبیین کند و هنوز هم سیاست‌های جهانی تحت تأثیر این نظریه قابل تحلیل است.

ب: ژئوپلیتیک انرژی از نظر جفری کمپ

با آغاز قرن ۲۱ و افزایش اهمیت انرژی و نقش آن در مناسبات جهانی چنین به نظر می‌رسد که نظام جهانی در تجربه‌ای جدید به دوران جهانی شدن اقتصاد و بازار آزاد یا اقتصادی شدن نظام جهانی وارد شده است. در این میان انرژی‌های فسیلی به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر اقتصادی مطرح بوده که تاکنون جایگزین مناسبی برای آن پیدا نشده است. دیگر انواع انرژی همچون انرژی خورشیدی و هسته‌ای هنوز نتوانسته‌اند به لحاظ اهمیت و نقش آفرینی در مسائل سیاسی و نیز کاربردشان در مصارف صنعتی و... جایگزین مناسبی برای انرژی‌های فسیلی باشند؛ از طرفی رقابت بر سر منافع انرژی همواره یکی از مسائل رایج در جهان ژئوپلیتیک بوده که ضمن رودررو کردن قدرت‌ها، کشورهای تولیدکننده را نیز تهدید می‌نماید.

انرژی فسیلی به ویژه نفت و گاز نقش مهمی در بازی‌های ژئوپلیتیک کنونی و آیندهٔ جهان ایفا می‌کند. قدرت‌های جهانی بر سر این موضوع باهم به رقابت می‌پردازند. مسئلهٔ دسترسی و تأمین انرژی برای نیازمندان آن و نیز امنیت مسیرهای انتقال انرژی برای تولیدکنندگان را دائماً نگران کرده است و از همین رو است که انرژی در سیاست‌های ملی و بین‌المللی نقش تعیین‌کننده‌ای یافته است و الگوهایی از رقابت، همکاری، کشمکش، تجاوز، تعامل، هم‌گرایی و واگرایی را در عرصهٔ بین‌الملل در روابط بین کشورها و دولت‌ها شکل داده است. اهمیت انرژی بدان حد است که دولت‌های مصرف‌کننده، مکان‌های تولید انرژی و دولت‌های تولیدکننده، مکان‌های مصرف انرژی و هر دو مسیرهای انتقال فناوری‌های مربوط به انرژی را جزء اهداف اصلی و امنیت ملی خود به‌شمار می‌آورند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۰۲)؛ بنابراین می‌توان گفت که ژئوپلیتیک انرژی بر مطالعه و نقش و اثر انرژی و جنبه‌ها و ابعاد مختلف

آن بر سیاست و قدرت و ساختار موجود قدرت به‌عنوان راهنمایی برای تصمیم‌گیران سیاست خارجی عمل می‌کند.

پ: ژئوپلیتیک ایدئولوژیک فوکویا

به‌دنبال فروپاشی شوروی مفهوم ژئوپلیتیک دچار تغییر شد؛ زیرا تا این زمان ژئوپلیتیک در فضای رقابتی بین شرق و غرب درک می‌شد. حمله عراق به کویت باعث طرح نظریه جدید (نظم نوین جهانی) با هدف بازگرداندن صلح و آزادی به جهان به‌وسیله بوش پدر شد. مقاله فوکویاما درخصوص «پایان تاریخ»، شالوده‌نظم نوین جهانی را شکل داد (اتوتایل و همکاران، ۱۳۸۰: ۲۴۱). ژئوپلیتیک نظم نوین جهانی در پی برتری لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی بوده، چنان‌که دشمنان نظم جهانی را دشمنان آزادی و بشریت لقب می‌دهد و حوزه خود را گسترش می‌دهد (مولایی، ۱۳۸۲)؛ به‌عبارتی حوزه جغرافیای سیاسی تا آنجا گسترده می‌شود که دشمنان نظم جهانی را دشمنان آزادی و بشریت لقب می‌دهد و حوزه ژئوپلیتیک خود را گسترش می‌دهد (مولایی، ۱۳۸۲)؛ به‌عبارتی قلمرو جغرافیایی سیاسی تا آنجا گسترده می‌شود که دشمنان نظم جهانی حضور دارند. برای این منظور دشمنانی ابداع می‌شوند که مهم‌ترین آن تروریسم مذهبی بوده همان‌گونه که مفهوم هارتلند ایدئولوژیک جهان به آن اشاره دارد؛ بنابراین در طول زمان عوامل مختلف مادی و غیر مادی تعیین‌کننده موقعیت جغرافیایی کشورها و در نتیجه جایگاه آن‌ها در سیستم بین‌الملل بوده‌اند و در این میان برخی کشورها با وجود رویکردهای مختلف به ژئوپلیتیک جایگاه ویژه خود را حفظ کرده‌اند.

کردستان سوریه کانون مداخله منطقه‌ای و بین‌المللی

بیشتر نظام‌های سیاسی خاورمیانه غیر دموکراتیک بوده و برای ادامه حکومت خود با شعار به‌خطر افتادن استقلال، امنیت ملی و خطر نفوذ خارجی یا اجرای شریعت، مردم را از آزادی‌های مدنی و سیاسی منع کرده و در برخی کشورها با قانون شرایط اضطراری، وضع موجود خود را توجیه می‌نمایند. اعتراضات و قیام‌های مردم خاورمیانه که به «بهار عربی» یا بیداری اسلامی مشهور شده از سال ۱۳۸۹ (۲۰۱۱) شروع و مهم‌ترین رویدادهای چند سال اخیر در محیط بین‌الملل به‌شمار می‌آیند و به کانون توجهات بین‌الملل تبدیل گشته است (بذرافکن و جاودان مقدم، ۱۳۹۱: ۲۹۸-۳۳۹) مردم سوریه با الهام گرفتن از سایر انقلاب‌ها اگرچه دیرتر از سایر کشورهای عربی به خیابان‌ها ریختند و خواهان اصلاح و تغییر اوضاع خود شدند (آجرلو، ۱۳۹۱) پس از آغاز درگیری در سال ۲۰۱۱ رابطه کردهای سوریه با بشار اسد وارد مرحله جدیدی شده است.

اهمیت استراتژیک مناطق تحت کنترل کردها در قالب سیستم فدرال شمال سوریه

منطقه فدرال اعلام شده از سوی کردهای سوریه براساس سیستم کانتونی اداره می‌شود. مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه به دلیل همسایگی با مرزهای کشور ترکیه و عراق، نقطه ارتباط بین سه کشور است؛ همچنین کردها با پیش‌روی در بخش گسترده‌ای از مناطق سرزمینی سوریه در مجاورت منطقه تحت کنترل داعش، جیش الفتح و ارتش حکومت مرکزی سوریه قرار گرفته‌اند؛ از این جهت بر وزن ژئوپلیتیکی مناطق تحت تصرف آنان افزوده است. نزدیکی هر یک از قدرت‌های امریکا و روسیه به کردها می‌تواند عاملی تأثیرگذار در افزایش عمق استراتژیک این کشورها در آینده تحولات سوریه باشد. نفوذ در مناطق سرزمینی فدرال شمال سوریه می‌تواند ابزارهای حیاتی برای مسکو یا واشنگتن برای پیش‌روی در جبهه‌های مورد نظر در میدان سوریه باشد. اگر سناریوی نفوذ روسیه در مناطق تحت کنترل کردها را متصور شویم، در این صورت اعمال فشار سیاسی بر آنکارا مهم‌ترین نتیجه آن است.

بهره‌گیری از توان نظامی بالای کردها در عرصه میدانی نظام سوریه

دیگر بُعد اهمیت کردها برای قدرت‌های امریکا و روسیه، بهره‌گیری از توانایی نظامی کردها در عرصه تحولات نظامی سوریه است. کردها در اوایل سال ۲۰۱۵ منطقه محدودی را در شمال سوریه در اختیار داشتند اما آن‌ها در قالب دو نیروی یگان‌های مدافع خلق YPG و یگان‌های مدافع زنان YPJ در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ پیش‌روی قابل ملاحظه در جبهه‌های جنگ داشتند. کردها در ابتدا با شکستن حصر کوبانی با حمایت‌های ائتلاف ضد داعش به رهبری امریکا موفق شدند کرانه جنوبی و جنوب شرقی استان الحسکه را نیز از نیروهای داعش بازپس گیرند. در ادامه با روند پیش‌روی کردها با کنترل منطقه تل ایض موقعیت خاص را برای خود ایجاد کردند و نظام کانتونی مورد نظر خود را رسمیت بخشیدند. کردها با کنترل تل ایض در استان الرقه به مرزهای چهل کیلومتری پایتخت داعش در سوریه، یعنی شهر رقه رسیدند؛ همچنین دیگر اقدام قابل توجه کردها را می‌توان ایجاد «نیروهای سوریه دموکراتیک» در ۱۵ نوامبر ۲۰۱۵ دانست که با حمایت امریکا تشکیل شد.

با توجه به روند پیش‌روی نظامی کردها و توانایی قابل ملاحظه آن‌ها در عرصه نظامی گری بدون تردید بهره‌گیری از آنان برای هر کدام از قدرت‌های امریکا و سوریه اهمیت اساسی دارد.

مسئولیت و وجه مثبت کردها نزد افکار عمومی در سطح بین‌المللی

کردهای سوریه جمعیت طردشده بودند که در سال‌های پیش از ۲۰۱۱ هویت بخشی از آنان حدود ۵۰۰۰۰۰ نفر از سوی حکومت مرکزی به رسمیت شناخته نمی‌شد، اما در سال‌های پس از ۲۰۱۱ این

زمینه مهیا شد که به‌عنوان بازیگر مهم، مجال ظهور بیابند. تبلیغات رسانه‌های غربی در مورد مبارزات و مقاومت سرسختانه کردهای سوریه، باعث نگاه مثبت دنیا به آنان و تجلیل از مبارزات آن‌ها شد. پیش‌روی کردها در برابر داعش طی یک سال گذشته بر مشروعیت هرچه بیشتر کردها نزد افکار عمومی جهانی افزود و در نتیجه این روند، در شرایط کنونی هریک از قدرت‌های نظامی آمریکا و روسیه برای توجیه سطح مداخلات و سیاست‌های خود در سوریه می‌کوشند خود را نزدیک و حامی کردها نشان دهند. به‌طور کلی حتی اگر کردها در آینده معادلات سوریه جایگاه عمده‌ای به‌دست نیاورند؛ اما در شرایط فعلی ابزاری مناسب برای سیاست‌مداران کرملین و کاخ سفید برای توجیه و کسب مشروعیت برای سیاست‌های خود در سوریه هستند.

اهمیت کردستان سوریه از منظر ژئوپلیتیک انرژی

تا پیش از حادثه یازدهم سپتامبر، خاورمیانه جزئی از شبکه اقتصاد جهانی بدون مرز بود و بهره‌بردن از منافع اقتصادی گاز و نفت و همچنین بازار مصرف آن بدون دخالت مرزی در چارچوب هنجارهای اقتصادی این شبکه جهانی صورت می‌گرفت. در این مورد تلاش کشورهای بزرگ در تزریق اجباری «سیاست بازار آزاد» به‌جای «سیاست تنظیمی» در برخی از کشورها به‌ویژه سوریه، مصر، عربستان، کویت و حتی ایران (به‌طور غیر مستقیم) قابل اشاره است که اجرای آن عملاً ناموفق ماند. پس از حادثه یازده سپتامبر، جهت‌گیری اقتصادی نظام بین‌الملل نسبت به منطقه متحول شده و در عوض مبتنی بر کنترل و مدیریت منابع نفتی با دخالت مستقیم درون‌مرزی شده است. (افضلی، ۱۳۸۵: ۱۶۰).

دسترسی به منابع انرژی و مهم‌تر از آن به‌عنوان محلی برای انتقال گاز در منطقه مدیترانه شرقی یعنی در میان کشورهای اردن، اسرائیل، غزه و لبنان است. میدان‌های نفتی این کشور به‌طور عمده در شرق این کشور در منطقه مرزی این کشور با کشور عراق واقع شده‌اند (حسنتاش، ۱۳۹۰) سوریه در ترانزیت نفت و گاز نیز کشور مهمی تلقی می‌شود. از سال‌های پیش بخشی از تولید نفت میدین نفتی شمال عراق از راه یک خط لوله از مسیر خاک سوریه به بندر بانیا س این کشور در ساحل مدیترانه منتقل می‌شده که به دلایل مختلف و در نهایت به دلیل فرسودگی آن متوقف شده است. کشور سوریه همچنان در مسیر خطوط گاز موسوم به خطوط عرب (AGP) قرار گرفته است. این خطوط در حال حاضر گاز تولیدی کشور مصر را با عبور از اردن به سوریه و لبنان رسانده است و براساس پروژه‌های در حال اجرا در سال جاری میلادی به ترکیه نیز مسلط خواهد شد. از چند و چون این چاه‌های نفت خبری در دسترس نیست.

مجله آمریکایی نشنال در خصوص منابع نفتی سوریه نوشته است: هنوز هم بخش وسیعی از میادین ذخایر نفتی مناطق کردنشین سوریه کشف نشده است و شرایط به گونه‌ای پیش می‌رود که گویی کردها در معادلات سیاسی پیش رو کارت جدیدی به نام نفت برای بازی در اختیار خواهند داشت. این موضوع می‌تواند تحولات تازه‌ای را به وجود آورد. بیدار خنسی از کارشناسان حوزه زمین‌شناسی درباره نقش نفت در سرنوشت سیاسی کردها گفته است: میزان ذخایر نفتی سوریه بین دو تا سه میلیارد بشکه و میزان ذخایر گازی ۲۵ میلیارد متر مکعب است و بخش عمده این منابع در مناطق کردی سوریه است. نخستین چاه نفت این منطقه در حوالی شهر کردنشین دیرک کشف شد و بعدها در رمیلان، فریت، سوریه و قرنشوک نیز چاه نفت کشف شد. در کل می‌توان گفت ۵۰٪ از منابع نفتی سوریه در شمال غربی این کشور قرار دارد (بسیم، ۱۳۹۲)

اهمیت ژئوپلیتیک کردستان سوریه و مداخله خارجی

الف: امریکا و رژیم صهیونیستی

امریکا و رژیم صهیونیستی به طور کامل موافق اقلیم یا منطقه خودمختار در شمال سوریه هستند. از مهم‌ترین دلایل حمایت امریکا و رژیم صهیونیستی از استقلال کردستان سوریه: ایجاد منطقه نفوذ جدید در درون محور مقاومت: رئیس مطالعات کردی دانشگاه تل‌آویو در این باره می‌گوید: شکل‌گیری کشور مستقل کردستان باعث تضعیف کشورهای متعددی که با اسرائیل دشمنی تاریخی دارند مثل عراق، سوریه و ایران می‌شود، می‌تواند همانند خنجر در قلب ملت‌های حامی (محور ممانعت) باشد. از نظر بنجیو استقلال کردستان می‌تواند درگیری نفوذ تاریخی موجود میان «ترکیه سنتی» با «ایران شیعی» تأثیر مستقیم بگذارد و این مسئله به سود اسرائیل است. براساس اظهارات جوزف نای امریکا باید به توازن قدرت در منطقه روی آورد. کردها مهم‌ترین ابزار برای رسیدن به این هدف هستند. نای معتقد است امریکا باید به گونه‌ای عمل کند که هر یک از قدرت‌های منطقه نتوانند به هم‌مون تبدیل شوند و توازن قوا شکل گیرد. رژیم صهیونیستی و امریکا بنابر همین سیاست امروز منطقه را درگیر جنگ نیابتی درونی کرده‌اند و از ابزارهایی همچون گروه‌های تروریستی و سایر شبه‌نظامیان مانند کردها در راستای تمدید منافع بازیگران منطقه‌ای روی آورده‌اند. طرح تجزیه سوریه که در دستور کار امریکا و رژیم صهیونیستی است و براساس پنج منطقه طبق قومیت و اقلیت دینی است. منطقه اول سنی در مرکز - علوی‌ها در غرب کردها در شمال - دروزی‌ها در جنوب - ترکمن‌ها در شمال غرب. در همین زمینه می‌توان ادعا کرد عملیات‌هایی که به تازگی در شمال

سوریه و به‌تازگی نیروهای دموکراتیک کرد با همراهی آمریکا صورت می‌گیرد به‌نوعی همراهی امریکا برای تجزیه سوریه براساس منطقه مستقل کردی است.

ب: ایران

از آنجاکه کردها در چهار کشور سوریه، ایران، عراق و ترکیه حضور دارند، هرگونه تحریک کردها به‌عنوان بزرگ‌ترین گروه اقلیت در ترکیه شناخته می‌شوند و دولت ترکیه کردها را دشمن اصلی خود می‌داند و امروز نیز با آن‌ها در منطقه جنوب ترکیه و شمال عراق درگیر است؛ البته موضوع بسیار مهم این است که مسئله کردها در ایران با کشورهای هم‌جوار سوریه، عراق و ترکیه بسیار متفاوت است. کردهای ایران با مردمان ساکن ایران نه تنها اشتراک نژادی دارند؛ بلکه از اقوام اصیل ایرانی به‌شمار می‌روند و از این رو در بافت تاریخی تمدنی و فرهنگی ایران تعریف می‌شود. تمایلات استقلال‌طلبانه افکار عمومی مناطق کردنشین ایران خریداری ندارد؛ بلکه از سوی جریانات وابسته به انگلیس و امریکا در بین مردم ترویج شده است و به‌عبارتی مسئله به سیاست‌های قدرت‌های بزرگ علیه ایران برمی‌گردد و هیچ پیوندی با هویت کرد ایران ندارد.

پ: ترکیه و کردستان عراق

خودمختاری کردها در سوریه مشکلات مضاعفی را برای حکومت ترکیه که در حال مذاکره با «پ.ک.ک.» است، ایجاد کرد. حضور یک منطقه خودمختار که پیوندهای تنگاتنگی با کردهای ترکیه و «پ.ک.ک.» دارد، نگرانی‌های جدی‌ای برای طبقه حاکم ترکیه، ناسیونالیست‌ها و شونیست‌های ترک و حزب عدالت و توسعه به‌عنوان حزب حاکم این کشور ایجاد کرده است. با توجه به پیوندهای نزدیک میان حزب اتحاد دموکراتیک، نیروی اصلی کردستان سوریه با «پ.ک.ک.» دولت ترکیه حساسیت ویژه‌ای به شکل‌گیری منطقه خودمختار و به‌ویژه اعلام رسمی خودمختاری کردستان سوریه داشته است. باید توجه کرد که اکنون به فاصله ۵۰ متری در آن سوی مرز ترکیه با سوریه پرچم‌های پ.ک.ک. به‌اهتزاز درآمده است و کردهای ترکیه دیگر ناچار نیستند برای پشت جبهه در کوه‌های قندیل پناه گیرند. در همین ارتباط بود که دولت ترکیه برای سرکوب کردهای سوریه به تقویت انواع جریانات جهادی و سلفی که با رژیم اسد در نبرد بودند و همچنین «جبهه النصره» یکی از شاخه‌های القاعده در سوریه یا حکومت اسلامی عراق و شام نمود و برای به‌زاندن آوردن کردهای سوریه، این جریان‌ها را به قتل عام کردهای سوریه واداشته و اقداماتش را راه براندازی رژیم اسد گسترش داد اما کش‌دادن اسلاميون بنیادگرا علیه کردهای سوریه نه فقط نتوانست حاصلی در سرکوب «حزب اتحاد

(فولادی، ۱۳۹۲).

اقلیم کردستان عراق در مرزهای خود با کردستان سوریه خندق حفر کرده و دلیل این کار جلوگیری از ورود نیروهای داعش به اقلیم عنوان می‌شود. خبرنگاری در کردستان به رادیو زمانه می‌گوید: این خندق به محاصره کردستان سوریه کمک کرده است. حکومت اقلیم کردستان عراق تاکنون سیستم خودگردان کردستان سوریه را به رسمیت نشناخته است. ۶۸ تن از نمایندگان اتحادیه میهنی در پارلمان کردستان عراق برای به رسمیت شناختن خودگردانی کردستان سوریه امضا جمع‌آوری کردند؛ اما این اقدام بی‌نتیجه ماند. (به‌وسیله اتحادیه میهنی کردستان) توازن قوای منطقه و همین‌طور توازن قوا در میان کردها دلیل عمده موضع‌گیری متفاوت اقلیم کردستان عراق نسبت به وقایع کردستان سوریه است. کردستان سوریه با توجه به منابع نفتی، کشاورزی، جمعیت کم و دسترسی به مدیترانه می‌تواند در آینده یک قدرت نسبی منطقه‌ای تبدیل شود. بنابر گزارشی در العریبه کردستان سوریه پتانسیل این را دارد که به درآمد دوازده میلیارد در سال برسد که با توجه به جمعیت دو و نیم میلیون نفری آن، درآمد بالایی است (پوینده، ۲۰۱۴).

همانند تمامی جنگ‌هایی که طی دهه‌های گذشته آمریکا در آن جنگیده است، مخالفان جنگ‌های دولت آمریکا با استناد به دلایل، با همراهی با جنگ‌های فرقه‌ای که در حال حاضر در سوریه در جریان است، مخالفت می‌کنند. توضیحی که به سرعت به وسیله عموم جامعه پذیرفته می‌شود این است که جنگی که در حال حاضر در سوریه در جریان است، براساس ژئوپلیتیک مداخله جنگ بر سر خط لوله است. جنگی برای اطمینان از انتقال گاز طبیعی قطر از راه خط لوله به اروپا تا ساکنان این قاره از وابستگی انرژی مصرفی خود به گاز روسیه خلاص شوند. آژانس جنوبی آناتولی ترکیه که به وسیله دولت آن کشور اداره می‌شود، نقشه توصیفی وضعیت جاری از نیروهای وابسته به آمریکا و بنیادگرایان سلفی وابسته به آن در مقابل روسیه و شیعه‌ها و سنی‌های غیر بنیادگرا ارائه داده و می‌نویسد: جنگ نفت و گاز در خاورمیانه به منظور کنترل بر سرزمین‌های تحت حاکمیت سوریه جهت ساخت خط لوله در این سرزمین و رساندن نفت و گاز از خاورمیانه به عنوان بزرگ‌ترین منطقه تولیدکننده به اروپا به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار مصرف است.

روسیه که در حال حاضر بر تأمین نفت و گاز اروپا استیلا دارد، (با توجه به منافع روسیه) با ایران به‌عنوان یک دولت دارنده منابع گاز که در صدد تصاحب بخشی از این بازار است، مخالفت چندانی ندارد. قطر به منزله یک کشور دارنده گاز بسیار تمایل دارد که تأمین بخشی از بازار انرژی و گاز اروپا را عهده‌دار گردد و عربستان که از بزرگ‌ترین دارندگان نفت جهان به‌شمار می‌آید، تمایل دارد به

بزرگ‌ترین تأمین‌کننده نفت اروپا تبدیل گردد؛ اما خط لوله‌ای که قرار است نفت سعودی و گاز قطری را به اروپا برساند، باید از سرزمین تحت حاکمیت حکومت سکولار اسد بگذرد و این به‌خوبی نشان می‌دهد که چرا آمریکا و متحدین بنیادگرای سنی‌اش و همچنین سعودی‌ها و قطری‌ها از القاعده و سایر گروه‌های جهادی برای فتح و به‌دست آوردن راه و مسیری در سوریه حمایت می‌کنند؛ بنابراین شرکت‌های آمریکایی مانند هالیبرتن برای احداث شرکت‌هایی مانند الکسون به‌چنگ آورند؛ همچنین دلیل ایران برای دفاع از دولت سوریه برخلاف مداخله جهادی‌های تحت حمایت عربستان، قطر و آمریکا که قصد براندازی دولت اسد را دارند آن است که این کشور قصد دارد خط لوله گاز خود را از راه سوریه به سواحل مدیترانه برساند. هدف روسیه از مسیرهای جدید خط لوله، انتقال گازش به اروپا با هدف کاهش وابستگی آن کشور به سرزمین اکرین است.

کشوری که اوپاما در فوریه ۲۰۱۴ رئیس‌جمهور منتخب و بی‌طرف آن را از راه کودتا ساقط نمود و آن کشور را فتح کرد. روس‌ها به لحاظ روابط تاریخی و جایگاه ژئواستراتژیک سوریه و پایگاه نظامی که در این کشور دارند، با درس گرفتن از تجزیه لیبی سیاست فعالی را برای حفظ متحد سنتی خود در پیش گرفته‌اند؛ زیرا تغییر نظام سوریه را به‌عنوان تهدید غرب علیه خود تلقی می‌کند. بحث عمده سوریه و روسیه اسلام‌گرایی افراطی است. داعش از دولت‌های ورشکسته به‌خوبی استفاده می‌کند و وقتی وضعیت اقتصادی خراب شود، زمینه‌های تندروی پدیدار می‌شود. مسائل قومی نیز در این کشورهای ضعیف تشدید می‌شود؛ البته پایگاه طوطوس برای روسیه اهمیت استراتژیک دارد (مرکز پژوهش‌های ملی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه) طی یک ماه پیش نقشه تقسیم‌بندی‌های آینده استان دیرالزور و در کل شرق روسیه به‌وسیله مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاورمیانه انتشار یافت که نشان از توافقی ناآشکار و تقسیم مناطق نفوذ و در آینده سوریه دارد.

بنابر ادعای این مؤسسه با توجه به نقشه استراتژیک ارتش سوریه و متحدانش (حزب‌الله ایران و روسیه) مناطق غرب رودخانه فرات از جمله شهر دیرالزور و چندین شهر کوچک دیگر را در اطراف آن تصرف خواهند کرد؛ اما ارتش سوریه وارد مناطق شرق رودخانه فرات نمی‌شود یا نیروهای آمریکا و ائتلاف ضد داعش اجازه این کار را نمی‌دهند. در عوض نیروهای سوریه دموکراتیک عرب و کرد تحت حمایت آمریکا به فرماندهی نیروهای کرد PYD مناطق شرق دجله را آزاد و بر بخش بزرگ و استراتژیکی از بیابان بین سوریه و عراق مسلط و تا نزدیکی‌های مرز ابوکمال عراق را تصرف می‌کنند. در این میان نیروهای اکثرأ کرد مثلث غرب رودخانه الخاپور و شرق رودخانه فرات را در کنترل می‌گیرند و نیروهای اکثرأ عرب سنی عشایر منطقه نیز با فرماندهی نیروهای کرد و ائتلاف شرقی

رودخانه‌ی الخاپور را تا مرز عراق و دروازه‌ی مرزی ابوکمال را متصرف می‌شوند. دیگر نیروهای عرب نزدیک به آمریکا و اردن در جنوب شرق سوریه که به وسیله‌ی آمریکا در پایگاه تنف آموزش دیده‌اند نیز به طرف مرز ابوکمال از جنوب به شمال حرکت می‌کنند و در آنجا به نیروهای سوریه دموکراتیک رسیده و تقریباً کمربندی را با حداقل چهل کیلومتر عرض منطقه‌ی حائل را بین ارتش سوریه و متحدانش را با مرزهای عراق ایجاد می‌کنند. در کل اگر این نقشه کاملاً اجرا شود، می‌توان اهمیت آن را در سه بند توضیح داد:

- اهمیت این کمربند مرزی هلال شیعی که به گمان آنان دولت ایران در پی دستیابی به آن است.
- ویژگی دوم عدم ارتباط مستقیم زمینی بین حزب‌الله و نیروهای حشد الشعبی و نیروهای مردمی (بسج مردمی روسیه) که هر دو نیروی اخیر به وسیله‌ی جمهوری اسلامی در راستای مقابله با نیروهای معارض سنی و داعش تشکیل شده‌اند و آمریکا و برخی کشورهای منطقه از افزایش قدرت آن‌ها در منطقه به شدت نگران هستند.

- سومین ویژگی که بیشتر برای کردها مهم است، ایجاد کریدور حیاتی دسترسی به آب‌های آزاد به وسیله‌ی بندر عقبه‌ی اردن و به عنوان چهارمین مسیر ارتباطی پس از بندر جیهان ترکیه، بندرعباس ایران و بصره‌ی عراق است. اهمیت بند اول و دوم بیشتر مورد توجه آمریکا و قدرت‌های جهان سنی (عربستان و ترکیه) است که به باور آنان به هم رسیدن نیروهای متحد ایران در مرز عراق و سوریه باعث افزایش دامنه‌ی قدرت و نفوذ ایران می‌شود که منجر به رقابت گسترده‌تر و بی‌ثباتی بیشتر منطقه و در پی آن تضعیف و تهدید منافع آمریکا و متحدانش در منطقه را در پی خواهد داشت. اهمیت بند سوم: برخی از تحلیل‌گران کرد عراق این مسیر جدید را کریدور حیاتی صادرات و واردات برای کردها می‌دانند. اهمیت این موضوع با توجه به تهدیدات همسایه‌های کردستان عراق در مورد برگزاری رفراندوم استقلال اقلیم کردستان طی یکی دو هفته‌ی اخیر به خوبی نمایانگر است.

هرچند با توجه به مصالح استراتژیک و بلندمدت، وجود و حضور مستقیم و قابل تأمل قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی و همچنین اوضاع ناپایدار منطقه به نظر نمی‌رسد نه ترکیه و نه ایران مرزها را با اجرای رفراندوم و حتی اعلام استقلال نیز به شکل تمام‌قیدی ببندند؛ اما تمرکز بر این نکته که اولین مفروض در عرصه‌ی سیاست، یعنی هیچ غیرممکنی وجود ندارد و نیز وجود دست‌کم ۵٪ کل ذخایر نفت جهانی، یعنی بیش از ۶۰ میلیارد بشکه ذخایر نفتی در اقلیم کردستان عراق به وسیله‌ی کمپانی‌های معتبر نفتی و ضرورت صادرات این طلای سیاه چه برای کردها و چه سرمایه‌گذاران و مصرف‌کنندگان جهانی اهمیت این مسیر جدید را به خوبی نشان می‌دهد؛ همچنین این کریدور حیاتی نفت می‌تواند نه تنها نفت و

گاز اقلیم کردستان را در وهله اول صادر کند؛ بلکه بعدها نفت و گاز مناطق سنی‌نشین عراق و سوریه و مناطق تحت کنترل کردها در شمال سوریه را نیز که هر سه از راه اردن به خلیج عقبه دریای سرخ برساند (رشید رستمی، ۱۳۹۶)

بر اساس نظریه فوکویاما از آنجا که غرب به پایان تاریخ رسیده، از سایر کشورها کامل‌تر است و باید از منابع حیاتی عمومی حراست و در برابر تجاوز ایستادگی کند. ژئوپلیتیک مداخله‌نظم نوین جهانی در پی برتری لیبراسم سیاسی و اقتصادی بوده چنان‌که دشمنان نظم جهانی را دشمنان آزادی بشریت لقب می‌دهد و حوزه ژئوپلیتیک خود را گسترش می‌دهد؛ به عبارتی حوزه جغرافیای سیاسی تا آنجا گسترده می‌شود که دشمنان نظم جهانی حضور دارند. برای این منظور دشمنانی ابداع می‌شوند که مهم‌ترین آن تروریست مذهبی بوده به گونه‌ای که مفهوم «هارتلند ایدئولوژیک جهان» ایجاد شده است. محاصره کوبانی به دست دولت اسلامی (ISLS) توجه جهانیان را به حزب اتحاد دموکراتیک کردستان سوریه (PYD) نیروی پیشگام در شمال مناطق سوریه به اکثریت کرد جلب کرد. (PYD) این منطقه را روزاوا می‌نامد؛ که معنای تحت‌اللفظی‌اش سرزمین مغرب است و به صورت غرب کردستان نیز ترجمه می‌شود. گفتمان PYD که حول محور واژگانی مثل دموکراسی و برابری و تأکید بر حقوق زنان می‌چرخد، توجه چپ جهانی را به خود معطوف کرده است؛ افزون بر این نبرد مبارزان (YPG) (YPJ) یگان‌های مدافع خلق و یگان‌های مدافع زنان که زیر نظر PYD علیه دولت اسلامی سازمان‌دهی شد، با همدلی گسترده روبه‌رو شد. ابتکارات متفاوتی در حمایت از روزاوا به یک‌باره در سطح جهانی به وجود آمد. یک کارزار آسمانی که به شکل غیرپوزش‌طلبانه‌ای که (سلاح برای روزاوا) نام داشت، حدود ۱۳۵۰۰۰۰ دلار جمع‌آوری کرد.

سایر ابتکارات بر کمک‌های انسان‌دوستانه و حمایت سیاسی متمرکز بودند. در روزاوا PYD می‌گوید که در حال تحقق جامعه‌ای دموکراتیک با حقوق برابر برای زنان است که در آن گروه‌هایی قومی و مذهبی گوناگون با یکدیگر زندگی می‌کنند. قدرت سیاسی قرار است که از خلال ساختار شوراهایی خودآیین سازمان‌دهی شود. PYD مدعی است که در روزاوا یک انقلاب منحصر به فرد مهم از اندیشه‌های عبدالله اوجالان رهبر در حصر حزب کارگران کردستان واقع شد. اوجالان حتی پس از بازداشت در سال ۱۹۹۹ رهبر سیاسی و فیلسوف جنبش باقی‌ماند. (آنتروپوس، ۲۰۱۶) سیستم روزاوا در میان آشفته‌بازار خاورمیانه از یک سو حلقه اتصال قلمروهای داعش در سوریه و عراق را از هم می‌گسلاند و از دیگر سو زیرگوش جهانیان زمزمه می‌کند «جهان دیگری ممکن است» حاصل تلاش‌های جمعی و هدف‌مند مردم روزاوا برای دگرگونی وضع موجود یکی از پویاترین و

گران‌بهاترین تجارب آزادی را رقم می‌زند و فرم جدیدی از اداره سیاسی را با اتکا به اتحاد همه قومیت‌ها و نژادها در سه کانتون کردستان سوریه رو می‌کند.

مدل روزاوا بر پایه دو ستون است. اول دموکراسی مستقیم به عنوان اساس نظام کمونالیست که در آن شهروندان فعالانه در تصمیم‌گیری‌ها و مدیریت محلی و شهری مشارکت دارند و دیگری نفی ساختار دولت - ملت؛ از همین رو است که در روزاوا گروه‌های قومی و مذهبی مختلفی در کنار اکثریت کرد این منطقه زندگی می‌کنند و نقش مشارکتی بی‌سابقه‌ای در مدیریت و اداره کانتون‌ها دارند. همین اتحاد موجب ایستادگی این منطقه در برابر وحشی‌گری داعش شد آن‌هم با کمترین پشتوانه و حمایتی از سوی جامعه جهانی (زحش، ۱۳۹۴) کانتون‌ها برای فعالین جنبش آزادی‌خواه، مانند مبارزات مردم اسپانیا علیه فاشیسم، تجربه بسیار گران‌بهای هستند. کانتون‌ها را باید از زاویه انسان‌دولتی و کمونیزم بررسی کرد. مبارزات مردم کردستان سوریه را باید بخشی از تجربه مبارزه علیه اسلام سیاسی دانست و ارج نهاد و تناقضات تئوری‌های حاکم بر مبارزات مردم را برشمرد و از این تجارب همان‌طور که مارکس در نقد کمون پاریس درس گرفت، ما نیز درس بگیریم. (صالحی‌نیا، ۱۳۹۳).

پروژه کانتون‌ها (گوشه‌ها به زبان فرانسوی) حاصل دوره‌ای است که زمینه‌اش بحران قدرت مرکزی در سوریه در طی سال‌های اخیر که جنگ داخلی در سوریه شعله‌ور شده از یک‌سو و قرارگرفتن احزاب حامی اوجالانیزم در منطقه کردستان سوریه و اتحاد گرایش‌های کرد در منطقه کردستان سوریه است. در روزاوا قوانین بدون در نظر گرفتن ملیت و جنسیت و باورهای سیاسی و عقیدتی برای همه یکسان و برابر است؛ اما برابری جنسیتی در روزاوا از اهمیت دوچندانی برخوردار است. از این رو این امر بسیار چشم‌گیر و برجسته است؛ برای مثال در کردستان سوریه فضای بسیار باز و مناسبی برای متشکل شدن زنان وجود دارد. اجباری بودن شراکت برابر برای زنان با مردان به‌ویژه در جامعه و سیاست و نیز تغییر نگرش‌ها و سنت‌ها در واقع کاری انقلابی در منطقه است (رخش، ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری

در نوشتار پیش رو سعی شد بر اساس ژئوپلیتیک مداخله به کردستان سوریه از منظری متفاوت نگریسته شود. شرایط جدید در خاورمیانه و تأثیر آن بر ساختار سیاسی سوریه مانند جنگ با داعش و تضعیف همزونی دولت مرکزی سوریه، امکان افزایش ارتباط با آمریکا، تقابل با ترکیه و سکوت و گاهی همراهی با دولت سوریه و وضعیت کاملاً متفاوت و متمایزی را برای تغییر جایگاه کردهای سوریه فراهم نمود. تحلیل گران مختلف نیز سعی دارند با توجه به چنین موضوعاتی کردستان سوریه را بررسی نمایند.

تلاش پژوهش حاضر بهره‌گیری از تئوری‌های ژئوپلیتیک و سنجش امکان دریافتی جدید از وضعیت پدید آمده با الگوگیری از این نظریه‌ها بود برای نشان دادن این موضوع که این منطقه از چه ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی برخوردار است و چه جایگاه استراتژیکی را می‌توان برای آن قائل بود و اینکه این ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی کردستان سوریه برای بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای چه اهمیتی دارد و برای کدامیک تهدید و برای کدامیک فرصت به‌شمار می‌رود.

چنین بررسی‌ای به‌روشنی همراهی‌ها و تقابل‌ها را در آینده با کردهای سوریه نشان خواهد داد و پتانسیل‌های اتحاد و ائتلاف و تقابل و رودررویی را برای آن‌ها آشکار خواهد ساخت. در واقع شرایط خاص ژئوپلیتیک کردستان سوریه الزامات خاصی را برای این مردمان ایجاد کرده است که از دل آن هم تهدید و هم فرصت‌هایی برای آنان در حال و آینده در شرف شکل‌گیری است. تعیین شرق فرات از سوی آمریکایی‌ها به‌عنوان خط قرمز حرکت ترکیه و حمایت فرانسه از این مرز مصداق فرصتی است که از دل شرایط سه‌گانه ژئوپلیتیک کردستان سوریه ظهور یافته است. در مجموع این مقاله با تشریح وضعیت ژئوپلیتیک کردستان سوریه، نگاهی نوبه این منطقه دارد و از دل چنین نگاهی می‌توان پیش‌بینی کرد که ظرفیت‌های ژئوپلیتیک این منطقه، کردها را در آینده نزدیک درگیر ائتلاف‌ها و تقابل‌های شدیدی خواهد ساخت که تقابل‌ها در محور کردی - ترکی و کردی - سوری شدیدتر بوده و ائتلاف‌ها در محور کردی - غربی آشکارتر است؛ از سوی دیگر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک کردستان سوریه قدرتی را به کردها اعطا کرده است تا بتوانند در آینده به‌عنوان بازیگرانی تأثیرگذار نه تنها در سوریه بلکه کل منطقه خاورمیانه عمل کنند. در عین حال پتانسیل‌های بالفعل و بالقوه ژئوپلیتیک کردستان سوریه نشان می‌دهد که هر سه حوزه ژئوپلیتیک، یعنی ریملند کردی، انرژی کردی و هارتلند ایدئولوژیک کردی در حال فرصت‌سازی سیاسی و اقتصادی تکامل‌گرایانه برای کردهاست و آن‌ها را از نقش واکنشی در سوریه و منطقه به حوزه کنش‌گری در حال صعود ارتقا داده است.

منابع

آجورلو، حسین (۱۳۹۰)، «تحولات سوریه ریشه‌ها و چشم‌اندازها»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال هجدهم، شماره ۶۶، ۵۵-۷۸.

آرتائوس، آونجلوس (۱۳۹۴). در کانتون‌های کردستان سوریه چه می‌گذرد/ به روزاوا خوش آمدید، ترجمه سودابه رخش شفقنا.

احمدی، حمید (۱۳۸۴)، قومیت و قوم‌گرایی در ایران افسانه و واقعیت، تهران: نشر نی.

اسدی، آرش (۲۰۱۵)، «هویت خواهی قومیتی یا جست‌وجوی بدیل»، <http://peccrtique.com>

- الکس دی یانگ (۲۰۱۶)، «کمون در روزاوا»، مترجم آنتروپوس، Winter4mNew politics volum XV.
- بذرافکن، مجید؛ جاودان‌مقدم، مهدی (۱۳۹۱)، *بیداری اسلامی و جنبش اسلامی خاورمیانه بیداری اسلامی در نظر و عمل*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- بسیم، لاله (۱۳۹۲)، «کردها در سوریه هم به نفت دست پیدا کردند»، www.magiran.com.
- پشنگ، اردشیر (۱۳۹۴)، «احزاب کرد سوریه» www.faratab.com.
- پوینده، امید (۲۰۱۴)، «چالش کوبانی از جدال سرزمینی تا جنگ ارزش‌ها».
- جودی، تیجل (۱۳۹۵)، *کردهای سوریه، تاریخ، سیاست، جامعه، ترجمه صداقت حیاتی*، نشر نگاه معاصر.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۳)، *جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد درس نظریه‌ها و مفاهیم ژئوپلیتیک*، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- حسین‌ناش، غلامحسین (۱۳۹۰)، «تأثیر تحولات سوریه بر بازار جهانی انرژی خبرگزاری تحلیلی ایران».
- دستمالی، محمدعلی (۱۳۹۴)، «نقش کردها در بازی پیچیده سوریه»، اندیشکده تبیین.
- رشید رستمی، ارشاد؛ (۱۳۹۶)، «آیا آمریکا در سوریه به دنبال کریدور برای اقلیم کردستان است»، فراتاب.
- صالحی‌نیا، سعید (۱۳۹۳)، «کانتون‌های کردستان سوریه آزمایشگاه آنارشیزم کردی»، salehini@aol.com.
- صفوی، سیدرحیم (یحیی) و عبدالمهدی شیخانی (۱۳۸۹)، «اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ایالت متحده در تهاجم نظامی به افغانستان»، *فصلنامه جغرافیای انسانی*، سال دوم، شماره سوم، ۱-۲۴.
- عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران: سمت.
- فولادی، نادر (۲۰۱۴)، «جایگاه کردستان سوریه در تحولات خاورمیانه»، [Forumhttps://groups.google.com](https://groups.google.com).
- مانیش‌رای (۲۰۱۷)، «کردها در سوریه رانمی توان نادیده گرفت»، ترجمه خبرگزاری کرد پرس www.javanpress.ir.
- مرادی، اسکندر؛ صبوری، ضیاءالدین؛ خاکی، شیلان؛ جوانمردی، عبدالمطلب (۱۳۹۴)، «امکان‌سنجی شکل‌گیری اقلیم کردی در شمال سوریه»، *فصلنامه سیاست جهانی*، دوره چهارم، شماره ۴، ۲۴۱-۲۷۸.
- ملاعمر عیسی، عیسی (۱۳۷۹)، *بحران آفرینی ابرقدرت‌ها در کردستان عراق*، تهران: توکلی.
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۹۶)، «ژئوپلیتیک و قدرت جهانی»، *کیهان اندیشه*، شماره ۱۴، ۷۴-۹۰.
- یلدز، کریم (۱۳۹۰)، *کردهای سوریه ملت فراموش شده*، ترجمه محمد خوشنا و قاضی.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی